

## منتخباتی از آثار قلم اعلیٰ

م ی جناب احمد علیہ بہاء اللہ

### بنام مقصود عالمیان

الحمد لله از اشراقات انوار شمس عنایت الهی موقف شدی بر آنچه اکثر عباد از آن ممنوع و محرومند، چه مقدار از صاحبان علم و فضل که الیوم در سبل ظنون و اوہام سالکند مع آن کہ کل معترف بہ ظہور حق و قیام موعود بر امر اللہ بوده و ہستند تباً لہم و للذین اتبعوہم من دون بیئۃ و کتاب من اللہ رب العالمین.

یا احمد قدر مقام خود را بدان و جہد نما تا فائز شوی بہ امری کہ ذکر آن بہ دوام ملک و ملکوت باقی و دائم مشاہدہ شود. آنچه الیوم حواس آن را ادراک می نماید عنقریب بہ عدم راجع گردد ولکن آنچه از قلم اعلیٰ جاری باقی بودہ و خواهد بود. تمسک بحبل عنایۃ ربک الغفور الکریم. در جمیع امور بہ حق ناظر باش و بہ او توکل نما. قل: یا الہی قد اقبلت الیک بکلی قدر لی ما اردتہ بجدک انی لا اعلم ما ینفعنی انک انت العلیم الخبیر. اسئلک بالکلمۃ العلیا و الافق الاعلیٰ بان تکتب لی من قلم عنایتک ما ینفعنی فی کلّ عالم من عوالمک انک انت المقندر العلیم الکریم.

\*\*\*\*\*

جناب حاجی احمد علیہ بہاء اللہ

### هو الناطق فی الافق الاعلیٰ

ا ح م د انا اسمعناک ندائی و اریناک افق عرفانی و ذکرناک بما بقی بہ ذکرک بدوام اسمائی فی ملکوتی الممتنع العزیز المنیع. بہ لسان پارسی ندای مظلوم را بشنو تا مقصود

---

۱ همه آثار مبارکہ ای کہ در این بخش بہ نظر خوانندگان گرامی می رسد مأخوذ از مجموعہ ای از الواح حضرت بہاء اللہ و مکاتیب حضرت عبدالبہاء است کہ بہ خط جناب حسین لامع کتابت شدہ است. در بارہ مشخصات این مجموعہ و مندرجات آن شرحی مبسوط تحت عنوان "الواح احبای میلان" در این دفتر درج شدہ است.

را بیابی و به خدمتش قیام نمائی. هر عملی امروز از عاملی ظاهر شود او بمثابة آفتاب است ما بین اعمال ایام قبل و بعد. جهد نما تا فائز شوی به آنچه که الیوم لایق و سزااست. الحمدلله ندای حق را اصغا نمودی و به عرفانش فائز شدی و ذکرت از قلم اعلیٰ در ایام الهی جاری و نازل. این مقام بسیار عظیم است. به اسم محبوب یکتا حفظش نما و لؤلؤ ثمین عرفان را از نفوس مشرکهٔ خانه مستور دار. کذلک یا امرک من عنده کتاب عظیم. دنیا فانی و زایل، آنچه از قلم اعلیٰ مخصوص آن جناب نازل باقی و پاینده خواهد بود. ان اشکر و قل لک الحمد یا مولی العارفين. اسئلک بزفرات افئدة المخلصین و عبرات عیون المقربین بان تقدّر لی ما قدرته لاصفیائک و تؤیّدنی علی خدمة امرک باستقامة لاتحرکها شئون الخلق انک انت المقنن علی ما تشاء و فی قبضتک ملکوت الاسماء و انک انت المقنن القدير.

\*\*\*\*\*

جناب محمد صادق ابن ا ح م د علیهما بهاء الله

### بنام مقصود عالمیان

ملاحظه نما و تفکر کن در آنچه در عالم واقع شده، علمای ارض و عرفای آن شب و روز سائل و آمل بودند که به لقای یوم الهی که در کتب مذکور و مسطوراست فائز گردند و حینی که اصغای لفظ قائم می نمودند جمیع احتراماً لاسمه برمی خواستند و به کلمهٔ عجل الله فرجه ناطق. در این مدت منتفت نشدند که چه شدتی در میان است که از حق فرج آن حضرت را می طلبند. از ادراک این فقره محروم بودند و از این گذشته چون افق عالم به نور ظهور مبشر اعظم منور شد کلّ بر اعراض قیام نمودند و بر آن وجود مبارک که فی الحقیقه لطیفهٔ ربّانیّه و نغمهٔ ملکوتیه بود وارد آوردند آنچه شنیده و دیده شد و بعد آفتاب حقیقت از مطلع اراده اشراق فرمود مشاهده شد که چه گفتند و چه ارتکاب نمودند فی الحقیقه قلم از ذکر عاجز دیده میشود. در اثبات مطالب خود به کتاب متمسکند و از امّ الكتاب غافل و معرض. بعد از این نفوس اهل بیان بوده و هستند که به طنین ذباب از نغمهٔ رباب الهی محروم و از ربّ الارباب بعید مانده اند. حال در قدر و مقام نفوس مقبله تفکر کن، قسم به آفتاب افق بیان که این نفوس را مثل و مانند نبوده و نیست چه که حجاب اکبر که علمای عصرند ایشان را از حق جلّ جلاله منع ننمود، اصنام ظنون و اوهام را به عضد یقین شکستند و به مالک این روز مبین توجه نمودند. طوبیٰ لکم بما فرتم بهذا المقام الاعلیٰ الذی شهد له مولی الوری فی سجنه العظیم. نوصیکم و احبائنی بالاستقامة علی هذا الامر الاعظم العظیم. البهاء علیکم من لدی الله الغفور الکریم.

\*\*\*\*\*

م ی ابن جناب احمد علیهما بهاءالله

### بنام دانای بیمانند

امروز روزی است که حقیقت کتاب الهی بر هیكل ظهور ظاهر و ناطق، جمیع من علی الارض را در کلّ احیان به افق رحمن دعوت می‌نماید و لکن سامع کمیاب. نیکوست حال سمع و بصری که در یوم الهی به مشاهده و اصغاء فائز شد. هر نفسی الیوم اقرار نمود به آنچه از قلم اعلیٰ جاری شد و اعتراف نمود به آنچه لسان عظمت به آن نطق فرمود او از اهل بصر و سمع مذکور و مسطور است. طوبیٰ لک بما فزت بایّام ربّک و اجبت مولاک از ارتفع ندائه بین السموات و الارض. قد حضر کتابک و اجبتناک بهذا اللوح العظیم. البهاء علی ابیک و علیک و علی من معکم من الذین اقبلوا الی الافق الاعلیٰ و آمنوا بالله الفرد الخبیر. ان اقرء ما انزلناه لک و کن من الشاکرین.

\*\*\*\*\*

جناب محمّد صادق الذی هاجر و فاز

### بسم ربّنا الاقدس الاعظم العلیّ الاعلیٰ

سبحانک یا من ناح المقرّبون فی فراقک و اشتعلت افئدة المخلصین شوقا للقاءک. اسئلک بالاسم الذی اذا ظهر انجذب الملک و الملکوت و ذابت الاکباد و القلوب و به ماج بحر البیان فی الامکان و نطق العندلیب علی الاغصان بان تؤیّد عبادک و اولیائک علی ذکرک و ثنائک و تبلیغ امرک ثمّ عرفهم یا الهی ما اردته لهم من بدایع جودک و الطافک لیدعوا ما دونک عن ورائهم مقبلین الی افق فضلک و مشرق بیانک و مطلع اسمائک و صفاتک. ای ربّ علّمهم بجودک و احسانک ما ینبغی لهم فی ایّامک. انک انت السلطان الذی خضعت لسلطنتک اعناق الامراء والاقویاء، لا اله الا انت الکافی الباقی الدائم العلیم الحکیم.

\*\*\*\*\*

م ی جناب ملاً حسین علیه بهاءالله

### بنام خداوند توانا

یا حسین ندای مظلوم را به گوش جان اصغا نما. لسان قدم به پاریسی تکلم می‌فرماید تا جمیع عباد که در آن محلّ و آن اطرافند مقصود را بیابند و به آن عمل نمایند. امروز هر صاحب نطقی مأمور به تبلیغ است و هر صاحب بیانی به ذکر امر رحمن مکلف. باید در این امراعظم اعلیٰ سعی بلیغ مبذول دارید که شاید مردگان از کأس حیات بیاشامند و غافلان از صهبای آگاهی قسمت برند. امروز اکثر نفوس بمتابۀ اعجاز نخل

منقعر<sup>۲</sup> مشاهده می‌شوند. باید ارباب علم و دانائی کمر خدمت محکم نمایند و به تبلیغ امر محبوب امکان مشغول گردند و لکن در جمیع احوال باید به حکمت ناظر باشند که مبادا امری واقع شود و سبب اضطراب نفوس ضعیفه گردد.

ای ساقیان عالم به روح و ریحان کوثر عرفان را به اسم مقصود عالمیان بر اهل امکان مبدول دارید. این است خدمت امر الهی. طوبیٰ لمن فاز و عمل بما امر به من لدن قویّ قدیر. یا حسین نامه ات حاضر و عبد حاضر لدی العرش تمام آن را عرض نمود. طوبیٰ لک بما اقبلت الی الافق الاعلیٰ و فزت بهذا اللّوح الذی لایعادلّه کلّ لؤلؤّ ثمین و الحمد لله ربّ العالمین.

\*\*\*\*\*

جناب علی محمد

### هو الشاهد من افقه الاعلیٰ

یا علی محمد ذکرت لدی المظلوم مذکور، اگر ثمره این فقره را بیابی تا جان داری به لک الحمد یا اله العالمین ناطق شوی. قدر ذکر حق را بدان و خود را به اسمش به طراز اخلاق روحانیّه مزین دار. اخلاق حسنه هر یک ناصر حقند. در الواح شتی عباد را به امانت و دیانت و محبت و شفقت و اتحاد امر نمودیم. طوبیٰ از برای نفسی که نصائح الهی را به گوش حقیقی شنید و به آن عامل شد. شکر کن مقصود عالم را و قل: لک الحمد و لک الشکر و لک الثناء و لک الوفاء و لک البهاء و لک الضیاء یا مقصود العالمین و محبوب العارفين.

\*\*\*\*\*

م ی جناب علی محمد علیه بهاء الله

### بسمه المبین العلیم

جمیع امم منتظر ایام ظهور بوده و هستند و به کمال عجز و ابتهال لقای موعود را آمل و سائل. و چون وقت رسید و طلعت موعود از افق سماء ظهور ظاهر شد کلّ بر انکار قیام نمودند و بر محبوب عالمیان وارد آوردند آنچه را که عقول و افئده از ادراک آن عاجز و قاصر است، تا آن که بالاخره در این سجن اعظم محبوس و مسجون مشاهده می‌شود. و لکن قسم به انوار آفتاب معانی که ذلت سجن و شدت آن اعزّ است از لذائذ عالم کلّها. دنیا را شائی نبوده و نیست، عنقریب آنچه مشاهده می‌شود و از بعد می‌آید به عدم راجع.

<sup>۲</sup> "اعجاز نخل منقعر" عبارتی قرآنی است که در آیه بیستم سوره قمر آمده است. مقصود آن است که امروز اکثر نفوس مانند ساق درخت خرمائی هستند که از ریشه کنده شده باشد.

طوبیٰ از برای نفوسی که این دو یوم فانی ایشان را از ملکوت باقی منع ننمود. ان اشکر ربک بهذا الذکر المبین.

\*\*\*\*\*

م ی علی محمد ابن جناب ا ح علیهما بهاء الله  
هو الظاهر المکنون

آیات نازل به شأنی که هر نفسی خود را از احصای آن عاجز مشاهده نماید، و بیّنات ظاهر و علامات و اشارات کتب الهی و صحف ربّانی کلّ منقضى شد. علم ظهور بر طور مرتفع و حقّ جلّ جلاله به اعلى النداء ناطق مع نلک ناس ممنوع و محروم مشاهده می شوند، ای و نفسی،<sup>۳</sup> چه که هر چشمی لایق مشاهده نه و هر گوشى قابل اصغاء نه. سکر زخارف فانیّه عباد را از نعم باقیّه منع نموده، به این ایام قلیله تمسک جسته اند و از ما عندالله غافل و محتجبند. نیکوست حال نفسی که حجبات عالم و سبحات امم او را از اسم اعظم و مالک قدم منع ننمود. اوست از اهل بهاء در کتاب اسماء، یشهد بذلک فاطر السماء فی هذا اللوح المبین. الحمد لله ربّ العالمین.

---

<sup>۳</sup> در عبارت "ای و نفسی"، ای حرف ایجاب و سوگند است، یعنی بلی قسم به ذات و وجودم.

## منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء

بواسطه میرزا علی اکبر زائر  
جناب آقا محمد آقای میلانی علیه بهاء الله الابهی

### هو الابهی

ای سرمست جام میثاق وقت اشراق نور تعالیم الهی است و هنگام جلوه فیض رحمانی، تا توانی دهن از لئالی پر کن و بر آفاق نثار نما تا شرق و غرب مستفیض شود و جهان جان مطلع فیض جانان گردد. این حیات روحانی عنایت و هدایت آسمانی است که حجر و مدر و شجر را حیات بخشد تا چه رسد به بشر. والبهاء علیک عع  
\*\*\*\*\*

بواسطه جناب زائر آقا سید مهدی قراباغی  
تفلیس محفل روحانی، جناب آقا سید عبدالرحیم شیروانی، جناب حاجی میرزا علی اکبر میلانی، جناب آقا میرزا اسمعیل تبریزی، جناب آقا مشهدی کاظم شیروانی، جناب آقا محمد شیروانی، جناب آقا صفدر شیروانی، جناب آقا میرزا اسمعیل عموی تبریزی، جناب کربلایی علی اکبر مراغه، جناب زائر آقا سید مهدی قراباغی علیهم بهاء الله الابهی

### هو الله

ای یاران رحمانی حمد کنید خدا را که در چنین عصر مبارک و قرن بدیع اسم اعظم به عالم وجود قدم نهادید و به مقام محمود پی بردید و از اهل سجود گشتید. این محض فضل و جود است، و الا این فانیان کجا و این بخشش بی پایان کجا، نفس قاصر کجا و بحر زاخر کجا، پشه ضعیف کجا و اوج رفیع کجا؟ چون مواهب کلیه مرافق نفوس ضعیفه گردد هر یک شدید القوی شوند و قوی الارکان گردند. مرغ بینوا عنقای مشرق بقا گردد و مور ضعیف در این دور عظیم سلیمان اورشلیم شود. پس باید شما در هر دم صد هزار شکرانه نمائید که مظاهر الطاف فرد یگانه گشتید و به موهبتی عظیمه موفق شدید و به پاداش این بخشش روش اصفیا گیرید و بخشش ملکوت ابهی جوئید و جهان آفرینش را سبب آسایش شوید و آرایش دهید و این مشروط به آن است که به موجب تعالیم الهیه در بین جهانیان سلوک نمائید و خیرخواه ملوک و مملوک گردید و باعث حیات عالم انسانی شوید و مرکز سنوحات رحمانی. ای یاران شب و روز در این فکر باشید و به این ذکر مشغول گردید تا

دلبر امرالله در انجمن عالم به احسن جمال و ابداع حسن جلوه نماید و علیم التَّحِيَّة و الثناء.

عع

\*\*\*\*\*

بواسطه جناب آقا میر علی اصغر علیه بهاء الله الانور  
جناب آقا میرزا محمد علی خان سرتیپ منشی علیه بهاء الله الابهی

### هو الابهی الابهی

ای ادیب دبستان انشاء و عندلیب گلستان ابداع، هر چند به ظاهر دور از انجمنی و غائب از این گلزار و چمن فی الحقیقه ندیم شبانگاهی و سهیم مناجات صبحگاه، یعنی در شام و سحر یادت چون شهد و شکر کام مشتاقان را حلاوت بخشد و بر روحانیت دلها افزاید. پاک و مقدس اسم اعظمی است که به یک لطیفه ربانیه و نفعه رحمانیه شرق و غرب را دست در آغوش نموده و از باده الفت و محبت مست و مدهوش فرموده، به قسمی که حکم یک جان و یک وجدان مانند پرتو مهر تابان یافته که بر آفاق متعدده تجلی فرموده، این است جوهر توحید، این است لطیفه تجرید، این است وحدت کلیه، این است الفت روحیه. اوصاف آن نجم بازغ همواره مسموع مشتاقان است که الحمد لله عندلیب گلشنند و شمع روشن. انجمن محافل را به نطق بلیغ بیارایند و صحائف را به بیان فصیح مزین نمایند، نار موقده محبت الله را شعله افروخته اند و شمع میثاق را پروانه جان سوخته، ان شاء الله چشم از دو جهان دوخته به کلی گرفتار دلبر یکتا گردی و مقنون حسن و جمال محبوب بی همتا تا آن اقلیم را جنت نعیم کنید و آن کشور را شیفته روی دلبر. سراجی برافروزی که پرتوش ممتد به ملکوت ابهی گردد و شعاعش روشنی عالم سرمدی. چون عون و عنایت حق همدم گردد و صون و حمایت خداوند حامی دمبدم انسان ضعیف شدیدالقوی گردد و مور نحیف سلحشور ملاء اعلی، هدهد ناتوان قاصد سلیمانی گردد و پشه بیجان جند اعظم رحمانی، به نفعه جهانی را معطر کند و به نغمه حشر اکبر بر پا نماید، به نطق بلیغ دبستان توحید بیاراید و به خامه فصیح صحائف آفاق را نقوش اشراق بنگارد و لیس ذلک علی الله بعزیز.

الهی الهی هذا عبد انجذب بنفحات قدسک من فردوس محبتک و اهتز من نسائم مواهبک الهابة من مهب عنایتک و تسعر بین اضلاعه و احشائه نار تجلیک الموقدة باریاح موهبتک. ای رب اطلق لسانه بالبيان و ایده ان یجول فی هذا الميدان و یتصادم جنود الطغیان و یقاوم جیوش العدوان الذین نقضوا الميثاق و افتضحوا فی الافاق و ارادوا ان یستأصلوا بنیان عهدک المرصوص و یهاجموا علی عبدک المنصوص و یجلبوا علیه

برجلهم و خيلهم و صفوف والوف. اى ربّ اجعل هذا العبد منار معرفتك و مأثرا من مأثر  
موهبتك و مطلع الانوار هدايتك و موردا لمياه عنايتك و مشرقا لنجوم تائيدك و مركز  
الجنود توحيدك. انك انت المؤيد الموفق الكريم و البهاء عليك. ع ع